

جمعه ۱۶ سپتمبر ۲۰۱۶

ناتور رحمانی

قربانی؟ عید قربان

چهار جسد

کبود شده از سرما

زیر چادر اهدایی (ایساف)

عید را به همدیگر

تبریک گفتند

در آخرین لحظه

وقتی آخرین نفس هایشان

از برودت هوا

یخ می بست

شاید مادر

به گرمای آفتاب

و آتش دیکدان فکر میکرد

که نداشتند

و سه کودک بینوا

به لباس های نو

شرینی و شادی

و یا احیاناً

گرفتن توتۀ گوشت قربانی

از دست باز کسی

غرق رویاً بودند

آنها از جابلقا برگشته بودند

تا در زیستبوم شان

روی مزار نا پیدای نان آور خانواده

شمع روشن کنند

که در نیمهء روز یا نیمه شبی

بنام آزادی و وطن

در سنگر مبارزه یا جهاد

تیرباران گردیده بود

آنها زیر درفش ناشناس

به خیال آرامش و زندگی دوباره

از جابلسا برگشته بودند

که دگر بازوان خسته و شانه های زخمی شان

در خاک چسپناک همسایه

از کثرت تپ و تلاش روزی

در لابلای زباله ها

ناتوان شده بود

آنها اگر میدانستند

که هنوز در دیار شان

زمستان حاکم است

گوشهء آفتاب سوزندهء همسایه را

رها نمیکردند

عید قربان

مقروض آنهاست

زیرا آن چهار بینوای

کرخت شده از سرما

بیشتر از سهم خویش

قربانی داده اند .

(ناتور)

